

~~19~~ N 5

Рукопись из Атабашанской пещеры.
~~стр. 44-459.~~ Терсидско-таджикский
комментарий к суфийскому сочинению,
ней начала и конца, листы смешив.
В конце по-туркски и слова по-таджикски,
другой текст (?).
нуждается в реставрации.

август 1976.



او کتابی که در آنجا

سید محمد علی شریعتی

۱۹۲۵ خلیفه با دارالاسلام
نام کتاب اول بابت آن می باشد

فیروز پور نیست الا راه می باشد

پیرامون یوسفی حاجرات می باشد

کتابخانه

۲۵

کتابخانه

۲۴

دانت و در علم ذات و صفات و تجلیات و مشاهدات حق تعالی در دانت از آن ^{شیرین} حضرت
رسول الله صلی الله علیه و سلم را ترجمه داد که اصول و فروع شریعت و طهارت و ^{حقیقت} عبادت
از اسلام ربانیه و از غیر رسول صلی الله علیه و سلم که هر چه بر آن اکتفا بود کسی را نرسد که در آن
اروغل کند و بالاتر از اجتماع او و ضایحه حضرت خضر علیه السلام روایت میکنند از رسول
علیه و سلم چون حضرت عیسی علیه السلام از آسمان جوام بر زمین آید نزد پیل نام
اعظم ببرد و دیگر مراتب آن ^{بیکار} بیکار است قائم شود هر مردیکه از مذہب حضرت
ایم اعظم باشد از سر تا پای ^{چو} چو در بدن ایشان باشد شجره از بزرگت هر سوی ایشان
سه صدی در بیست درازند چنانچه در تذکره الاولیاء آورده است که حضرت امام اعظم
رحمۃ الله ستوده خدا و رسول او بود و همه زبانها ستوده و همه قلوبها مقبول و صفت
او که تو را در ریاضات و مجاہدات و خلوت و مشاهدات او نهایت شدت و بزرگی
مشخخ زاریده بود و با امام جعفر صادق ^{رضی} رضی الله عنه بیعت داشت چنانچه بر سر او
بوسه رفت و گفت سلام علیک یا سید المرسلین از روزی که از مدینه ^{مخارج} مخارج
آمد که علیکم السلام یا امام السیئین چنانچه نقل است که در او ایل عربیت عزت کرد و در
قبله ^{حق} حق داشت در وی از خلق بگردانید و صوف پوشید تا شبی خواب دید که خواب
عزیزت پیغمبر صلی الله علیه و سلم از لحد بگردید و بعضی را بر بعضی اختیار میکرد و ازین ^{مست} مست
و مستی در این راه یکی اصحابین پرسیدند او تو چنان گفت که تو در علم ^{شیرین} شیرین
از عالم نازد سنت او بدرد بر سر چنانکه در آن متصرف شوی و در
از عالم جبر و در دیگر حضرت رسول را در خواب دید و حضرت رسول اکرم حضرت امام
از اصحاب علی بن ابی طالب ظاهر است که ظاهر کرده اند قصد عزت مکن این
امر اتی در جناب ^{سید} سید المرسلین صلی الله علیه و سلم که مردی باشد در آنست ^{مست} مست
آن ملکوت را از آن نهند و در آنستی و صفت او پیغمبر در فوریت بود و نیز اس

مالک گفت که ابو جعفر را چنان دیدم که هر دعوی کردی که این سنون استون است
 دلیل تو راستی گفت حضرت امام شافعی بوی گفت جمله علماء عالم عیال ابو جعفر
 نه ایضا چنان نقل است که روزی صوفی با فضل بحال بر روی امام اعظم طایفه
 بنام امام باز نکرست صوفی گفت صبی نکر که فاعل صغیری خد است تفرقه در
 امام گفت جمع دارم اما نمی نگویم که چگونه بر تو گفت بارید صوفی گفت بر امام گفت
 از آنکه اراده تو در رضای تو بود و نه در رضای من گفت درین کار اراده حق
 تعالی بود امام گفت بود اما اول از کدورت دل تو نیست چه پیدا شد است پس بر
 عزم و بیت کرده و از منم نیست را کوشش هم کرده اگر اراده و رضای حق تعالی
 و عزم کوشش تو باشد در عمل آید اگر نیاید بنده را مواضع از آنست که مقدم از آن بنده
 که اول نیست و عزم است از آن است بلکه ما از ضایع می آید که این کار شود و چنانچه در
 خبر است که در مخالفت اهل المؤمنین حضرت علی رضی الله عنه و زوی را گرفتند حضرت عمر فرزند
 ابوسفیان دست او را بر سینه او گرفت تا عمر در زدگی ما اراده خدا بود یا نه حضرت عمر فرزند
 ابوسفیان او نیز بر سینه او گرفت تا او بپایند و عمر را این طویل است در مضایح القلوب آورد
 در بیان قضا و قدر که آنجا می آید که در آن جهت صوفیان ناقص بحال خبر رسیده
 بحال ایشان و عوام آن است که درین چند که نه از علم ظاهر که مال یافته و نه از علم باطن
 اگر از ایشان مجرب غریب چه است حیات یا مظاهر شود انرا اعتبار در
 حال انبی صلی الله علیه و آله سلم و انوار کرامت و جمله انجمنی فی البحر و بیطرفی انهم
 و دیگر سن من سنن سوال الله و اعتقاد او بغیر اعتقاد فهو ملک
 در تذکرة الاولیاء که بزرگی بود و سیراء و شهر کافران افشا و در آنجا که
 جبّه دین خود بود و هر که پیش او می آمد آنجا می خورد
 عجب آن چند کادربین بود که آن که فرایین عالم بر فرست